

## نسل متخصصان مرمت کتب خطی در حال انقراض است



موزه آستانه گنجینه ای، ناشناخته و قابل مطالعه است. محققانی از دانشگاه و همچنین خارج از کشور برای تحقیق به این موزه می آیند؛ ولی تا به حال ندیده ام از حوزه محقق بیاید و درباره موزه و آثارش تحقیق کند. به گزارش خبرگزاری «حوزه» موزه حرم حضرت معصومه (س) شاید یکی از با ارزش ترین گنجینه های قم چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی و فرهنگی باشد که حدود ۶ هزار آثار ارزشمند را در خود جای داده؛ متأسفانه این گنجینه گرانبها در شهر کمتر مورد توجه علما و حوزویان قرار دارد که نشان دهنده محجور بودن موزه در حوزه است. حجت الاسلام و المسلمین سید جعفر کشفی، مدیر موزه آستانه مقدس حضرت معصومه (س) در گفت و گوی اختصاصی با خبرگزاری «حوزه»، وضعیت موزه آستانه و نیز هنر مرمت بازسازی کتب قدیم و مهجور بودن موزه در حوزه را تشریح کرد.

### **\*در ابتدا لطفا خودتان را معرفی کنید و بفرمایید به چه فعالیت هایی مشغول بوده اید؟**

سید جعفر کشفی هستم، معروف به حجت کشفی. در سال ۱۳۲۵ در استهبان فارس متولد شدم و از اوایل سال ۹۵ به عنوان مدیر موزه مشغول خدمت هستم. همکاری خود را با آستانه از سال ۶۹ به صورت پاره وقت در کارگاه هنری و مرمت آغاز کردم. در آن سال ها سه روز در هفته کارهای خطاطی و خوش نویسی انجام می دادم. در این کارگاه هنرمندانی حضور داشتند که برخی از آنها از تهران می آمدند و آثار هنری را مرمت می کردند. علاوه بر کار مرمت آثار هنری در این کارگاه به تولید اثر هم می پرداختیم. آثار تولیدی بیشتر در زمینه تابلوی های خطی بود. زیارتنامه هایی که در بالای سر قبر علما قرار داده شده، در این کارگاه تولید شده اند. بعضی از آثار خطی که در این کارگاه تولید کردم، هنوز در انبار موزه وجود دارد. غیر از خطاطی به کار نویسندگی و تالیف نیز می پرداختم.

### **\*وضعیت مرمت آثار هنری در ایران را چگونه ارزیابی می کنید**

مرمت و ترمیم آثار هنری کاری تخصصی و سخت است. برای ترمیم یک قرآن فرسوده و صدمه دیده هنرمندان خطاط، کاغذ ساز، صحاف و ... باید با هم همکاری کنند.

به دلیل توجه کم به این هنر در کل کشور شاید ۱۵ مرمت کار درجه یک نداشته باشیم. دانشگاه های ما هم هنوز در این رشته به حد کمال نرسیده اند.

دانشگاه های اروپایی هم از ابزار مناسب هم از تخصص استفاده می کنند ؛ ولی در کشور ما ابزار مناسبی برای کار صحافی نداریم و تعداد اندک متخصصانی نیز که داریم به دلیل کم توجهی رو به انقراض هستند و اگر اینگونه پیش رود، این هنر در کشور ما منقرض می شود.

در کشور ما برای زدن یک بنر هزینه می کنند، ولی برای هنر ارزش زیادی قائل نیستند. کارگاه مرمت آستانه نیز به علت توجه نکردن کافی رو به تعطیلی است و هنرمندان آن رفته اند. آخرین نفر من بودم که به موزه منتقل شدم و عملاً در کارگاه کاری انجام نمی شود.

### **\*آشنایی با هنر چگونه می تواند طلاب را در انجام فعالیت های تبلیغی یاری نماید**

در آثار هنری مانند یک تابلو نقاشی و یا یک اثر خوشنویسی، مفاهیم بسیاری وجود دارد، باید با دقت به آنها نگاه کنی تا بفهمی در درونش چه چیزی وجود دارد.

در گذشته حوزویان با هنر آشنا بودند و ادبیات، معماری، موسیقی و خط در قبضه آنها بوده و اینطور نبود که مقهور باشند. لذا اگر حرکتی برخلاف اهداف عالی اسلام بود، آن را می فهمیدند.

ولی اکثر کسانی که به این موزه می آیند، نگاه عمیقی به آثار نداشته و بسیار کم هستند که با دقت به آنها نگاه کنند. امروزه حوزه آن چیرگی را در ادبیات و هنر ندارد، اصولاً حوزه و حوزویان به موزه کم توجه هستند . این کمبود را من امروز احساس می کنم.



متأسفانه ما با گذشته خود از نظر ادبی و هنری فاصله داریم، ولی غربی ها با یادگیری فرهنگ و هنر ما در ما نفوذ کرده اند. حتی تاثیر این نفوذ را در ادبیات و هنرمان می توانیم ببینیم. وقتی متن های حوزوی را می خوانیم متوجه می شویم این نثر و ادبیات از ما نیست و نثر و ادبیات بیگانه در ما نفوذ کرده است.

موزه ها می توانند ما را به جایگاه واقعی خود برسانند. موزه ها تنها جای نگه داشتن عتیقه نیست، بلکه پیام نسل ها در موزه منتقل می شود. شاید اگر موزه آستانه به جایگاه واقعی خود برسد و از حالت انبار خارج شده و آثار آن بهتر معرفی شود، می تواند نقش واقعی خود را ایفا کند.

### **\*استقبال طلاب و روحانیون از موزه چگونه است**

متاسفانه حوزویان علاقه ای به بررسی آثار هنری ندارند. بسیار مهم و تاثیرگذار است که بدانیم مثلاً چرا شاه عباس افتخار می کرده اینجا دفن شود، بسیاری از بزرگان به این آستانه هدیه داده اند و یا دختر فتحعلی شاه قرآن نوشته و به اینجا هدیه داده، اینها خیلی معنا می دهد، ولی من ندیده ام بزرگی از حوزه علمیه به موزه بیاید و در مورد این گونه مسایل تحقیق کند. آقای اندره گودات فرانسوی ۳۰ سال رئیس اداره عتیقیات ایران بوده و ۳۰ سال فکر و اندیشه و هنرش بر معماری این کشور تاثیر گذاشته، آرامگاه حافظ، سعدی و فردوسی را گودات فرانسوی طراحی کرده، بنابراین یک انسان با هنرش می تواند بر انسان ها و کشورهای دیگر تاثیر بگذارد.

ما در این موزه قرآن هایی از زمان مامون عباسی داریم. غربی ها التماس می کنند که به این موزه آمده و روی آثار ما تحقیق کنند. موزه در دنیا نقش مهمی دارد. یک سیاستمدار و تاجر موفق وقتی خسته می شود به موزه می رود. سیاستمداران دوره های تاریخی را در آنجا می بیند و با هم مقایسه می کند.

موزه های خارج از کشور سالن هایی برای مطالعه و تحقیق دارند. مراجعین در این موزه ها جلوی آثار تاریخی می نشینند و با دقت به آنها نگاه کرده و در مورد آن تحقیق می کنند.

ولی استفاده کمی از موزه آستانه شده و دلیل آن، این است که جایگاه موزه شناخته شده نیست. موزه فضایی مناسب به همراه پارکینگ و رستوران می خواهد. در سالن موزه های دنیا میل قرار داده شده تا محققان در مقابل آثار بنشینند و آنها را ببینند. ما آثار گرانبها و خوبی داریم. مجموعه قرآن ها و کاشی ها بی نظیر است، ولی کسی نمی آید آنها را نگاه کند.

### **\*توجه به آثار حوزه چه تاثیری در فرهنگ مردم دارد؟**

موزه یک کتابخانه و آموزشگاه بیدار کننده و عبرت آموز است. واقعاً چرا بسیاری از شاهان افتخار می کردند در حرم دفن شوند و بسیاری از بزرگان کشور افتخار می کنند خادم حرم ائمه معصومین (ع) باشند. در حرم حضرت معصومه (س) قرن ها مطلب نهفته، اما واقعا غریب است و باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

موزه آستانه گنجینه ای ناشناخته و قابل مطالعه است. محققانی از دانشگاه و همچنین خارج از کشور به این موزه برای تحقیق می آیند، ولی تا حالا ندیدم از حوزه محقق بیاید و درباره موزه و آثارش تحقیق کند.

قرآن ها و نسخ خطی بسیار ارزشمندی در موزه وجود دارد. محققینی از حوزه باید بیایند و ببیند چرا بسیاری از بزرگان ما پول و زمان خود را صرف کرده اند تا این آثار را تولید کنند. موزه به عنوان کلاس آموزش و مرکز مطالعه، می تواند بسیار مفید باشد.

هنر در حال تسخیر دنیا از طریق سینما، تئاتر و هنرهای دیگر است، منتها مواد اولیه آن در موزه ها قرار دارد. مواد اولیه بر می گردد به اندیشه ای که به صورت کلمه، تابلو و نسخ خطی درآمده است.

موزه آستان مقدسه با اینکه از نظر مالی بسیار ارزشمند است، ولی از نظر فرهنگی ارزش بیشتری دارد. این موزه متعلق به این آب و خاک و رمز وحدت است.

موزه آستانه آثار ارزشمندی دارد، ولی فضای این موزه به اندازه کافی نیست و جای مناسبی ندارد. اگر می توانستیم فضای مناسب تری فراهم کرده و نورپردازی آن را مناسب کنیم می توانستیم این آثار را از نظر علمی و فنی بهتر معرفی کنیم.

### **\* هنر و ادبیات چه تأثیری بر تبلیغ علوم دینی می تواند داشته باشد**

در مقابل هنر و ادب هیچ کس مقاومت نمی کند. ادبیات و هنر مانند حریر نرمی است که برای همه لطیف است. ما از طریق ادبیات و هنر می توانیم با دیگران ارتباط برقرار کنیم. ما با افراد کافر و بی دین می توانیم از طریق غزل و شعر مولوی و خط میرعماد حرف بزنیم و او نتواند مقاومت کند و دشمنی خود را ابراز نماید، ولی ممکن است نتوانیم با زبان صریح با او حرف بزنیم. همچنین زمانی که مضمون آیه را در قالب شعر سعدی بیان می کنیم بهتر درک می شود. در حدیثی داریم اگر بچه یتیمی را می بینی جلوی او فرزند خود را نوازش نکن. سعدی این حدیث را با زبان شعر بیان می کند و می گوید:

چو دیدی یتیمی سرافکنده پیش      مزن بوسه بر فرزند خویش

شما اگر بخواهید مستقیماً این حدیث را بگویید شاید کمتر به آن توجه شود ولی سعدی این حدیث را با زبان شعر گفته و پیام آن را به زیبایی رسانده است. بنابراین هنر آنقدر قدرتمند است که تعصبی در آن وجود ندارد و در برابر آن هیچ سدی نمی تواند قرار گیرد ولی حوزه از این ابزار به خوبی استفاده نمی کند.

### **\* وضعیت هنر و ادبیات در حوزه چگونه است**

ادبیات نقش بسیار مهمی در پیشرفت هر جامعه ای دارد. در سیاست با معنای کلمات صحبت می کنند و سیاستمداران باید معنای کلمه ای را که به کار می برند بدانند.

در حوزه و در تبلیغ دین نیز چنین است. ما باید بدانیم از چه کلماتی برای صحبت با مردم استفاده می کنیم و مفاهیم کلمات را بدانیم.

البته حوزه نسبت به گذشته رشد کرده و اگر زمانی حدود ۱۰ نویسنده خوب در حوزه داشتیم، امروز هزاران نویسنده داریم، با این حال نسبت به نیازی که داریم افراد بسیار کمی هستند.

طلاب و علما همان گونه که علوم آسمانی و قرآنی را یاد می گیرند، باید با زبان ادب و هنر نیز آشنا شوند. در حوزه این بخش ضعیف است و شما می توانید از طریق معرفی نهادهای هنری موجی را در حوزه ایجاد کنید.

حوزویان در قدیم با هنر آشنا بودند. زمانی که می خواستند مسجد یا مدرسه ای بسازند، مدیر حوزه با معماری آشنا بود و روی کار اشراف داشت. این اشراف هنری موجب شد شخصیت هایی مانند شیخ بهایی به وجود آیند.

مباحث هنری می تواند در مواد درسی وارد شود، هنر خود به خود به وجود نمی آید، بلکه باید استعدادها را بهرورانیم. مثلاً باید تئاتر و جنبه های مثبت و منفی آن را به خوبی بشناسیم و یاد بگیریم که چگونه می توانیم از آنها استفاده کنیم. در مورد دیگر هنرها نیز همینطور باید عمل کنیم. مولوی بخشی از معارف اسلام را فهمید و توانست با زبان زیبایی آن را بیان کند.

### **\* آیا نویسندگی هنر است**

نویسندگی یعنی اینکه شما بتوانید اندیشه خود را شفاف، روشن و دلپذیر بیان کنید.

نویسندگی در دنیا رشته های گسترده ای دارد، از نوشتن کتاب کودکان گرفته تا روزنامه نگاری. شما به عنوان خبرنگار باید بتوانید اندیشه ها و دانسته های خود را به زبان رسا و دلپذیر بیان کنید. نویسندگی کار بسیار سختی است و احتیاج به تمرین بسیاری دارد.

من از ۱۵ سالگی می نوشتم، ولی بعد از این همه سال نمی توانم بگویم نویسنده قهار هستم، چراکه کار بسیار سخت و دشواری است و با عالم شدن تفاوت داد. شما ممکن است عالم باشید ولی نویسنده خوبی نباشید. بسیاری از علما با اینکه علم بالایی دارند، ولی نویسنده خود نیستند. زمانی که به قم آمدم شاید حدود ۱۵ نفر بودند که خوب می نوشتند و از آنها می توان به آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی و همچنین آقای دوانی اشاره کرد. ولی الان بیشتر از هزار نویسنده در حوزه داریم که قلم می زنند.



### **\*برای گسترش فرهنگ نویسندگی چه باید انجام داد**

یکی از دلایلی که موجب شد در نویسندگی نسبت به دنیا عقب باشیم، ضعف در کتابخوانی است. شاید هم ضعف از آموزش و پرورش باشد که بچه ها را با فن مطالعه آشنا نمی کند و شاید هم بنایی را گذاشته ایم و هنوز ثمر نداده است. وقتی کتابفروشی می روم کتاب های خوب از نظر علمی زیاد است، ولی شاید از هر صد کتاب ۱۰ کتاب از نظر نویسندگی نظر آدم را به خود جلب کند.

در مدرسه روش های خوبی برای پرورش دادن هنر نویسندگی وجود دارد. همین که می گویند خاطره ای را بنویسند خوب است و موجب می شود معلم ها استعدادها برتر را شناسایی نموده و آنها را پرورش دهند.

الان حوزه نمی تواند بگوید نیاز جامعه را از نظر بیان شیرین و دلپذیر تغذیه می کند، چراکه زمانی در هر شهری شاید دو عالم کافی بود، ولی الان کم است. اگر چندین هزار عالم داشته باشیم، با این گرفتاری هایی که برای نسل جوان و نوجوان و طبقات دانشگاهی و عموم مردم وجود دارد باز هم کم است.

### **\*پیرامون فعالیتان در کتابخانه آستانه بفرمایید**

از سال ۶۹ در کتابخانه آستانه مشغول به فعالیت شدم. در آن زمان کتابخانه تنها ۱۸ هزار کتاب داشت. حجت الاسلام و المسلمین مولایی تولیت وقت کتابخانه تمایل بسیاری برای گسترش کتابخانه داشت و اجازه داد تا ۱۰۰ هزار جلد کتاب برای کتابخانه خریداری کنم.

از کتابهای خوبی که در آن موقع برای کتابخانه تهیه کردم، می توان به دوره کامل متون قدیمه از فقه و اصول و تاریخ، یک دوره مطبوعات از زمان مشروطه تا قبل از انقلاب، یک دوره از مجموعه کتاب های جیبی که خیلی منحصر است، یک دوره کتاب های بنگاه ترجمه و نشر کتاب و یک دوره انجمن آثار ملی اشاره کرد.

در هر رشته ای که کتابی سودمند وجود داشت، سعی کردم آن را برای کتابخانه تهیه کنم. در تمام دنیا نیز همینطور هست. کتابخانه ها باید کتاب های مادر هر علم را داشته باشند.

کتابخانه زنده مانند رود زنده است، همیشه باید کتاب وارد آن شود. اگر نسبت به خرید کتاب های روز دنیا کوتاهی شود، آن طراوت و شادابی را نخواهد داشت. رشته هایی مانند پزشکی همواره رو به پیشرفت هستند و کتابخانه نیز باید با این پیشرفت حرکت کند.

### **\*لطفا در مورد فعالیت های هنری خود در حوزه توضیح دهید**

در سال ۶۰ از طرف وزارت ارشاد به عضویت انجمن خوشنویسان درآمدم و حدود ۱۰ سال عضو این انجمن بودم و هم اکنون با آن ارتباط دارم. سال ۶۹ به قم برگشتم و در آستانه مقدس حرم حضرت معصومه (س) و در کارگاه هنری مشغول به فعالیت شدم. کتیبه ای در محراب مسجد جمکران هست که به کمک فرزندان سید محسن نوشتم و ایشان کار و طراحی کوفی آن را انجام داد. کتیبه داخل ضریح حضرت معصومه (س) را که کاشی هست، نوشتم. در بعضی قسمت ها روی درها و جاهای مختلف حرم مطهر به صورت جزئی و یا مفصل خطاطی کرده ام. بعضی قسمت های ضریح مطهر امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع)، به من واگذار شد.

در شیراز کار خط زیادی در مساجد و امامزاده ها انجام داده ام. در قم نیز کتیبه های مدرسه معصومیه را نوشتم که خطاطهای دیگری به جز من هم کتیبه های این مدرسه را نوشتند.

۷ سال هم عضو شورای بازبینی فیلم بودم که کار بسیار سخت و تخصصی بود.

### **\*ضرورت تبلیغ دین در قالب هنر هفتم**

سینما هنری است که همه هنرها را در خود می بلعد. من الفبایی از فیلم سازی و شناخت فیلم بلد بوم و همین آشنایی مقدماتی با فیلم و فیلم نامه نویسی موجب شد یک دوره فیلم نامه نویسی و داستان سرایی را برای طلبه ها برگزار کردم. این دوره در مجتمع شهید محلاتی در میدان پلیس قم برگزار شد و از تهران برخی کارگردان ها و فیلم نامه نویس ها را می آوردم تا طلبه ها با فیلم و فیلم نامه آشنا شوند.

کشوری که صدا و سیما دارد نمی تواند نسبت به این مسائل غافل باشد. کارهایی نیز در حوزه صورت گرفته است ولی هنوز در اول راه هستیم.

### **\*ظاهراً دوره اول نماینده مجلس بوده اید؟ کمی هم از مجلس اول بگویید**

در دور اول مجلس از سوی مردم استهبان به عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی انتخاب شدم. در مجلس عضو کمیسیون ارشاد بودم. در آن دوره شهید باهنر هم در مجلس بودند. وی مرد بزرگی بود که در کارها خیلی به من کمک می کرد.



آقای باهنر را از قبل از انقلاب می شناختم. کتابی که او در مورد تعلیمات دینی نوشته شده بود در سراسر کشور تدریس می شد. این کتاب تالیف آقای باهنر و سید بزرگوار دیگری بود که تالیفشان را همه قبول داشتند و حتی در زمان شاه نیز کتاب آنها در مدارس تدریس می شد.

من رابطه خوبی با شهید باهنر داشتم و زمانی نیز که در پست نخست وزیری بود، برای حل مشکلات مردم منطقه خودمان مزاحمشان می شدم.

حضرت آیت الله خامنه ای نیز در آن زمان در مجلس بودند. ایشان با بینش سیاسی بالا و با اینکه از بزرگان انقلاب بودند، با ما که از یک شهر کوچک به مجلس آمده بودیم، رابطه خوبی داشتند و به راحتی ما را می پذیرفتند و راهنمایی می کردند. حتی زمانی که رئیس جمهور بودند یک بار خدمت ایشان رسیدم.

سال ۷۶ به عنوان روحانی به سوئد رفتم. اول حکم من را به عنوان رایزن فرهنگی زدند، ولی چون ارتباط ما با سوئد در حد رایزن نبود به عنوان وابسته فرهنگی در آنجا مشغول شدم. در آن زمان ضد انقلاب در سوئد بسیار فعال بود و محیط بدی را برای من فراهم کرده بودند. تاسیس فضایی به نام ایران سرا، یکی از فعالیت های من در این کشور بود. تا سال ۸۲ در سوئد بودم و بعد به کشور برگشتم. تمام نوشته ها و خاطرات مربوط به فعالیت های فرهنگی خود در سوئد را در مجموعه ای به نام جنگ فرهنگ فراهم کرده ام.

## حرف آخر

روزگاری حوزه علمیه نجف بسیار فعال بود و به تمام جهان اسلام پیام می رساند. طلاب نجف هر آنچه می آموختند به دیگران منتقل می کردند، ولی متأسفانه به دلیل حضور دولت های طمع-کار نفوذ حوزه علمیه نجف از بین رفت و بسیار صدمه دید. الحمدلله در ایران دوباره نهال تازه ای روییده و بعد از چند دهه به این نتیجه رسیده که برای نفوذ در جهان نیازمند انتشار اخبار حوزه و ثبت وقایع و خاطرات بزرگان حوزه است.

به دلیل نداشتن تشکیلاتی برای ثبت خاطرات علما در گذشته، بسیاری از این تجربه ها و آثار نابود شده اند و اثری از آنها باقی نمانده است.

خبرنگار یعنی نویسنده ای که هوشیارانه چشمانش را در عمق جامعه فرو می برد و می تواند از مشکلات جامعه بنویسد. شما به عنوان خبرنگاری رسمی حوزه های علمیه مشکلات را به خوبی مطرح کنید تا برای آنها راه حل مناسبی پیدا شود. شما می توانید با ثبت خاطرات بزرگان حوزه این خاطرات را حفظ کنید. کار شما در خبرنگاری حوزه علمیه می تواند ناشناختگی های حوزه را به بزرگان معرفی کند.

زمانی که در سوئد بودم، یکی از روزنامه هایی که در آنجا منتشر می شد، در مورد آشپزی نیز ستونی داشت. لذا هرچایی از دنیا که رستوران بزرگی باز می شد، روزنامه کارشناسی را به آن رستوران می فرستاد تا غذای آن رستوران را امتحان کرده، در مورد آن مطلب نوشته و آن را ارزیابی کند. این موضوع نشان می دهد آنها برای یک ستون آن هم موضوع آشپزی این مقدار ارزش قائلند و هزینه می کنند. بنابراین باید ببینیم ما برای بحث خبر و روزنامه آن هم در زمینه دین و مذهب چقدر هزینه می کنیم.